



تحریم‌ها علیه ایران تا چه زمانی پابرجاست؟ تحلیل هزینه و فایده تحریم برای آمریکا از منظر اقتصادی

چکیده

پس از شروع هر موج تحریمی علیه جمهوری اسلامی ایران و به موجب صعوبت‌ها و دشواری‌های ناشی از آن، مسئولان و مدیران کشور به صورت آشکار یا ضمنی به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که: «تحریم‌ها تا چه زمانی پابرجاست؟». همچنین تلقی ضمنی در برخی سطوح مدیریتی و در برخی بخش‌ها، این است که «با توجه به موقتی بودن تحریم‌ها، کافی است تصمیماتی گرفته شود که برای مدت کوتاهی اقتصاد کشور «دوام بیاورد»، تا پس از آن با رفع تحریم‌ها مجدداً به روال سابق بازگردیم» در این گزارش بر پایه مستندات مختلف تبیین می‌شود که تحریم به عنوان یک سلاح اقتصادی در عرصه سیاست خارجی آمریکا، جای خود را باز کرده و برنامه‌ریزی برای تداوم آن به صورت بلندمدت انجام شده است. لذا به جای پرسش از «مدت تداوم تحریم‌ها» بهتر است به این پرسش پاسخ دهیم که «چگونه سیاستگذاری کنیم که در گام اول آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از تحریم کاهش یابد و در گام دوم، از محدوده تحریم‌پذیری خارج شویم». محورهای اصلی این تحلیل به شرح زیر است:

- اسناد حقوقی مرتبط با تحریم ایران در نظام حقوقی آمریکا به گونه‌ای نگاشته شده‌اند که «وضع تحریم» بدون زمان و غیرمشروط در نظر گرفته شده، اما «تعلیق تحریم» زمان‌دار و مشروط است. بنابراین می‌توان گفت که زیربنای حقوقی تحریم به صورت کامل علیه ایران طراحی شده است و هزینه وضع مجدد تحریم علیه ایران در هر دوره‌ای، تنها صدور یک فرمان اجرایی توسط رئیس‌جمهور آمریکاست.

- تحریم‌های مالی (به مثابه یک سلاح در جنگ اقتصادی)، هزینه اندکی برای کشور تحریم‌کننده و اثر تخریبی زیادی بر کشور تحریم‌شونده دارند. تجربه تحریم‌های مالی علیه ایران نشان می‌دهد که با فشار چند دکمه در سامانه‌های انتقال حجیم دلاری و همچنین متداول‌ترین سیستم پیام‌رسانی مالی بین‌المللی (سوئیفت) به سادگی می‌توان هر شخص حقیقی و حقوقی را از کلیه تعاملات بانکی متعارف محروم کرد. همچنین با توسعه سامانه‌های رصد تحریم توسط شرکت سوئیفت، چنانچه ایالات متحده نام یک شخص حقیقی و حقوقی را در لیست تحریم قرار دهد، به صورت زنجیره‌ای همه بانک‌های دنیا ارتباط خود را با شخص تحریم شده قطع می‌کنند.

- تحولات بازار انرژی در چند سال اخیر به گونه‌ای رقم خورده است که اولاً آمریکا به واسطه سرمایه‌گذاری‌های کلان، نه تنها به عنوان یک مصرف‌کننده بزرگ نفت، بلکه به عنوان یک بازیگر مهم در سمت عرضه بازار نفت ایفای نقش می‌کند. از این رو خارج کردن کشورهایی مانند ایران و ونزوئلا از بازار نفت، نه تنها تهدیدی بر اقتصاد آمریکا محسوب نمی‌شود، بلکه نوعی فرصت است. ثانیاً صادرات نفت به عنوان اهرم فشار ایران در بازار جهانی تا حدی زیادی کارکرد خود را از دست داده است؛ احتمالاً به همین دلیل است که از اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ و متعاقب اعلام سیاست آمریکا مبنی بر ضرورت صفر کردن خرید نفت از ایران، برای حفظ و تداوم صادرات نفت، سهم راهکارهای امنیتی و ایذایی در ادبیات مقامات ایرانی بسیار پررنگ‌تر از راهکارهای اقتصادی (موازنه عرضه و تقاضای نفت در بازار جهانی) بود.

معاونت پژوهش‌های
اقتصادی
دفتر: مطالعات
اقتصادی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:
۲۲۰۱۶۴۸۵

تاریخ انتشار:
۱۳۹۸/۴/۲

- ساختار حقوقی تحریم به گونه‌ای طراحی شده است که خاطیان و نقض‌کنندگان آن، بسته به شرایط، متحمل جریمه‌های مالی می‌شوند. جمع جریمه‌های اعمال شده علیه بانک‌ها و شرکت‌های خارجی توسط ایالات متحده آمریکا ناشی از تحریم‌ها (اعم از ایران و سایر کشورهای تحت تحریم) تاکنون بالغ بر ۲۰/۶ میلیارد دلار شده که نشان می‌دهد تحریم بهانه خوبی برای کسب درآمد برای این کشور است. در واقع درآمد آمریکا ناشی از تحریم‌ها، نه تنها پوشش هزینه‌های سازماندهی و رصد تحریم‌ها را می‌دهد، بلکه درآمد جدیدی برای دولت آمریکا محسوب می‌شود و دارای «صرفه اقتصادی» است.

- کشور استفاده‌کننده از تحریم تا زمانی از این ابزار استفاده می‌کند که نفع آن بیش‌تر از هزینه‌اش باشد. نفع تحریم برای آمریکا افزایش هزینه برای اقتصاد ایران، تضعیف و انقباض اقتصاد است. هزینه تحریم نیز فشارهای مختلف امنیتی و سیاسی بر آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای از ناحیه ایران و اتحادیه اروپاست. ادله فوق و همچنین تحلیل هزینه-فایده تحریم ایران از سوی آمریکا نشان می‌دهد که با فرض ادامه شرایط فعلی و بدون تحول خاص در اقدامات اقتصاد داخلی یا سیاسی - امنیتی ایران، حداقل تا ۶ سال آتی، تحریم‌ها ادامه خواهند داشت.

- بر این اساس، خارج کردن سلاح نفت از دست آمریکا با انجام اقدامات مربوطه در بودجه دولت و سپس در ساختار اقتصاد و اتخاذ رویکرد فعالانه اقتصادی به جای رویکرد «تسکین موقت مبتنی بر سناریوسازی منفعلانه» و همچنین تعریف، اعلان و اعمال اهرم‌های تهدید برای طرف مقابل به صورت زمان‌دار، مهم‌ترین راهبردهای پیشنهادی برای تغییر در موازنه هزینه-فایده آمریکا در تحریم ایران هستند.

- اگرچه بعد از گذشت نزدیک به یک سال، نشانه‌هایی از حرکت به سمت رویکردهای پیشنهادی دیده می‌شود، اما ضروری است این اقدامات منسجم، مدون و با برنامه هدفمند دنبال شوند. در غیر این صورت انتظار نمی‌رود تغییر خاصی در معادله هزینه و فایده آمریکا در اعمال تحریم به‌وجود آورد.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی همواره در معرض تحریم بوده است. این تحریم‌ها به فراخور مناقشات سیاسی، تشدید شده است. شدت یافتن تحریم علیه ایران، به طور مشخص در دو بازه زمانی رخ داده است. در بازه سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۱، تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران به شکل بی‌سابقه‌ای گسترش یافته و مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد ایران را مورد هجوم قرار داد. همچنین از سال ۱۳۹۶ و با قدرت رسیدن ترامپ زرمه‌های وضع مجدد تحریم‌ها به گوش رسید و از اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷، تحریم‌های تعلیق شده به موجب برجام، مجدداً اجرایی شد. در این دوره اگرچه آمریکا به صورت یکجانبه تحریم‌ها را علیه ایران وضع کرد، اما در عمل و به موجب قدرت مالی و اقتصادی این کشور در عرصه بین‌الملل، بسیاری از شرکت‌ها و بانک‌های خارجی (غیرآمریکایی) از ادامه تعامل با ایران خودداری کردند؛ بنابراین بیراه نیست اگر گفته شود تحریم‌های این دوره آمریکا علیه ایران، در مقام نظر یکجانبه است، اما در مقام عمل چندجانبه.

پس از شروع هر موج تحریمی و به موجب صعوبت‌ها و دشواری‌های سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجراء، مسئولان کشور به صورت آشکار و ضمنی به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که: تحریم تا چه زمانی پایدار است؟ در این گزارش برآنیم توضیح دهیم که اساساً این سؤال، زمانی مطرح می‌شود که فروض و انگاره‌های نادرستی در ذهن مطرح باشد. در ادامه بر پایه استنادهای مختلف تبیین می‌شود که تحریم به عنوان یک سلاح اقتصادی در عرصه سیاست خارجی، جای خود را باز کرده و برنامه‌ریزی برای تداوم آن به صورت بلندمدت انجام شده است. لذا به جای سؤال فوق بهتر است به این پرسش پاسخ دهیم که «چگونه سیاست‌گذاری کنیم که در گام اول آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از تحریم کاهش یابد و در گام دوم، از محدوده تحریم‌پذیری خارج شویم».

در ادامه به منظور تبیین ادعای فوق (پایدار بودن تحریم و تداوم استفاده از آن در عرصه بین‌المللی) پنج محور ارائه شده است. در بخش اول، بر پایه اسناد حقوقی تحریم نشان داده شده که تعلیق یا وضع مجدد تحریم علیه ایران تنها با صدور یک فرمان اجرایی میسر است و حتی نیازی به همراهی دستگاه قانونگذاری در این بحث وجود ندارد. در بخش دوم به این موضوع اشاره شده است که زیرساخت‌های مالی آمریکا این امکان را فراهم می‌آورد که بدون دشواری، اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی را از زنجیره معاملات بین‌المللی حذف کند. در بخش سوم تحولات بازار انرژی تبیین شده و نشان داده شده است که تحریم‌های نفتی علیه ایران، نه تنها هزینه قابل توجهی به اقتصاد آمریکا وارد نمی‌کند، بلکه منافع زیادی نیز برای آمریکا دارد. همچنین دیگر صادرات نفت، به عنوان اهرم قدرت‌نمایی ایران در عرصه بین‌الملل مطرح نیست یا اینکه قدرت آن تا حد زیادی کاهش یافته است. در بخش چهارم درآمدزایی تحریم برای آمریکا تبیین شده و در بخش پنجم، خواست رقبای منطقه‌ای و قدرت‌های اقتصادی نسبت به ضعیف نگاه داشته شدن ایران و مزیت‌های آنها از این رویداد بررسی شده است.

۱. تکمیل زیرساخت‌های حقوقی مرتبط با تحریم و ماهیت غیرزمان‌دار آنها

متون حقوقی مرتبط با تحریم ایران و سایر کشورها، زیربنای اقدامات تقابلی دستگاه‌های اجرایی آمریکا علیه دشمنان خود در حوزه تحریم هستند. بررسی این متون حقوقی نشان می‌دهد که در اکثریت قریب به اتفاق آنها، زمانی برای خاتمه تحریم‌ها در نظر گرفته نشده است، بلکه در جهت مقابل، مواردی پیش‌بینی شده است که اگر رئیس‌جمهور آمریکا به دلیلی ترجیح داد تحریم علیه یک کشور را تعلیق یا کاهش دهد، باید به صورت ادواری به کنگره آمریکا گزارش دهد و برای مثال هر ۶ ماه یک‌بار، این تعلیق راه تمدید کند؛ به عبارت دیگر در نظام حقوقی ایالات متحده، وضع تحریم بدون زمان و غیرمشروط در نظر گرفته شده و تعلیق تحریم زمان‌دار و مشروط است. بنابراین می‌توان گفت که زیربنای حقوقی تحریم به صورت کامل علیه ایران طراحی شده است و هزینه وضع مجدد تحریم علیه ایران در هر دوره‌ای، تنها صدور یک فرمان اجرایی توسط رئیس‌جمهور آمریکاست. با توجه به آماده بودن زیرساخت‌های حقوقی، رئیس‌جمهور آمریکا حتی نیاز به کسب اجازه از دستگاه قانونگذاری این کشور نیز ندارد.

۲. راحت بودن اعمال تحریم برای ایالات متحده (به طور خاص تحریم‌های مالی)

در منابع متعددی به موضوع استفاده از سلاح مالی تأکید شده است.^۱ سلاح‌های مالی آثار تخریبی به اندازه یک جنگ دارند، اما در به‌کارگیری آنها نه نیروی انسانی از کشور مهاجم کشته می‌شود، نه جنگ‌افزار نابود می‌شود و نه منابع مالی چندانی نیاز است. مثال آن را در مورد ایران در دو دوره اعمال تحریم (سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷) شاهد بودیم. با چند «کلیک» در سامانه‌های انتقال حجیم دلاری^۲ و همچنین متداول‌ترین سیستم پیام‌رسانی مالی بین‌المللی (سوئیفت)^۳ به سادگی می‌توان هر شخص حقیقی و حقوقی را از کلیه تعاملات بانکی متعارف محروم کرد. همچنین با توسعه ابزارهایی چون (رصد تحریم)^۴ توسط شرکت سوئیفت، چنانچه ایالات متحده نام یک شخص حقیقی و حقوقی را در لیست تحریم^۵ قرار دهد، به صورت زنجیره‌ای همه بانک‌های دنیا ارتباط خود را با شخص تحریم شده قطع می‌کنند. شایان ذکر است که مصداق این موضوع صرفاً بانک‌هایی که به شکل مستقیم از دلار آمریکا استفاده می‌کنند، نیستند. به بیان دیگر، این نوع تحریم به همه ارزها و همه

۱. از جمله گزارش قدرت اجبار (Power to Coerce)، مؤسسه رند، ۲۰۱۶.

2. CHIPS , Feswire
3. SWIFT
4. Sanction Screening
5. SDN List

مؤسسات مالی به صورت زنجیروار کشیده می‌شود. یعنی یک بانک که عملیات دلاری به صورت غیرمستقیم انجام می‌دهد (و حساب دلاری در خاک ایالات متحده ندارد)، نیز از ترس مسدود شدن حساب خود در بانک‌های دارای مجوز دلاری، به تحریم شونده سرویس نمی‌دهد. به دلیل اعمال زنجیره‌ای تحریم، حتی بانک‌هایی که عملیات یورو، یوان، ین و سایر ارزها نیز انجام می‌دهند و هیچ‌گونه عملیات دلاری (اعم از مستقیم و غیرمستقیم) انجام نمی‌دهند نیز نمی‌توانند از گزند تحریم‌های ثانویه ایالات متحده مصون بمانند.

۳. تحولات بازار بین‌المللی انرژی در جهت خلاف منافع ایران

۳-۱. نیاز به بیرون کردن برخی تولیدکنندگان نفتی متعارف از بازار نفت

دلیل دیگر نیاز به ادامه تحریم از سوی آمریکا، سرمایه‌گذاری این کشور روی منابع نفتی نامتعارف (شیل)^۱ است. تولید نفت آمریکا از حدود ۵ میلیون بشکه در روز از اوایل ۲۰۰۹ به حدود ۱۲ میلیون بشکه در روز در فوریه ۲۰۱۹ رسیده است و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که سال آینده، برای اولین بار پس از سال ۱۹۵۳، آمریکا صادرکننده خالص نفت خام خواهد بود.^۲ برای اقتصادی بودن این منبع نفتی، باید تولیدکنندگان متعارف نفتی از بازار خارج شوند تا کل عرضه نفت افزایش قابل توجه نیابد و کاهش قیمت نفت را به دنبال نداشته باشد تا بازار نفت شیل آمریکا تثبیت شود. در دور جدید اعمال تحریم‌ها، وقتی کره جنوبی خرید نفت خام از ایران را متوقف کرد، خرید نفت از آمریکا جایگزین نفت ایران شد. در حال حاضر، دو کشور عمده تولیدکننده نفت در جهان - ایران و ونزوئلا - هدف تحریم ایالات متحده قرار گرفته‌اند. تحریم بهانه خوبی است که عرضه نفت این دو کشور در بازار جهانی به حاشیه برود و نفت آمریکا جایگزین آنها شود. بنابراین، آمریکا در بلندمدت نیازمند ادامه اعمال تحریم خواهد بود تا بتواند بازدهی مناسبی از سرمایه‌گذاری خود بر روی فناوری استخراج نفت شیل را به دست آورد.

۳-۲. بلاثر شدن صادرات نفت به عنوان اهرم قدرت‌نمایی ایران در عرصه بین‌الملل

یکی از شروط مهم در قانون NDAA آمریکا در ارتباط با تحریم صادرات نفت ایران، تضمین رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر وجود عرضه کافی نفت در بازار جهانی است. به عبارت دیگر، در سال ۲۰۱۲ و همزمان با تصویب این قانون، یکی از دغدغه‌های مهم سیاستگذاران و تصمیم‌گیران آمریکا، مازاد تقاضای نفت در بازار جهانی و به تبع آن افزایش قیمت نفت بود. با گذشت زمان و در موج تحریمی جدید مجموعه‌ای از اقدامات از سوی ایالات متحده، نظیر الزام کشورهای صادرکننده نفت نظیر عربستان و امارات به افزایش عرضه و پر کردن جای ایران، ایجاد محدودیت خرید برای کشورهای واردکننده نفت ایران، سرمایه‌گذاری در شیل‌های نفتی درون خاک آمریکا و ... باعث شد که صادرات نفت ایران به عنوان اهرم قدرت‌نمایی این کشور در عرصه بین‌الملل عملاً بلاثر شود.

افتادن ایران در دام معافیت‌های نفتی آمریکا و تلقی آنها به عنوان علامتی از «عقب‌نشینی» و «شکست آمریکا» در سیاست صفر کردن نفت ایران، سهم بسزایی در این رویداد داشته است. نتیجه آنکه از اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ و متعاقب اعلام سیاست آمریکا مبنی بر ضرورت صفر کردن خرید نفت از ایران، سهم راهکارهای امنیتی و ایذایی برای تداوم صادرات نفت در ادبیات مقامات ایرانی بسیار پررنگ‌تر از راهکارهای اقتصادی (موازنه عرضه و تقاضای نفت در بازار جهانی) شده است.

1. Shale oil

2. Egat. Matt(2019), 'Shale is not superman.' Geopolitical Chaos is Testing the Limits of America's Oil Boom, CNN Business, May 3, 2019

۴. کسب درآمد از طریق تحریم

جمع جریمه‌های اعمال شده علیه بانک‌ها و شرکت‌های خارجی توسط ایالات متحده ناشی از تحریم‌ها (اعم از ایران و سایر کشورهای تحت تحریم) تاکنون بالغ بر ۲۰٫۶ میلیارد دلار شده است.^۱ تحریم بهانه خوبی برای کسب درآمد از این طریق است. به دلیل سادگی اعمال تحریم و آثار مخرب آن، به محض مظنون شدن به اشخاص و شرکت‌ها، آمریکا به سادگی می‌تواند از آنها اخاذی کند. این جریمه نیز خیلی سریع پرداخت می‌شود، زیرا کسب‌وکار نهاد هدف دچار اختلال جدی می‌شود (حتی اگر حساب دلاری نداشته باشد و فاقد کسب‌وکار در آمریکا باشد).

۵. ایران ضعیف؛ خواسته بسیاری از رقبای منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی

دلیل دیگر، نوع نگاه سایر کشورها به ایران است. حتی اگر استراتژی جمهوری اسلامی ایران (مقاومت اقتصادی) کشور را حفظ کند، نوع اعمال تحریم‌ها همچون وزنه سنگینی بر پای کشور است که سرعت حرکت اقتصادی را کند خواهد کرد؛ این موضوع خود را در آمارهای اقتصادی (تولید ناخالص داخلی، بیکاری، تورم، ضریب جینی و مانند آن) نشان خواهد داد. ایران ضعیف هم به نفع رقبای منطقه‌ای (ترکیه و عربستان) و هم به نفع آمریکا و حتی کشورهای هم‌پیمان مانند روسیه و چین است. رقبای منطقه‌ای می‌توانند از لحاظ اقتصادی از ایران جلو بیفتند و ایدئولوژی جمهوری اسلامی را در مدیریت کشور به چالش بکشند؛ کشورهای روسیه، چین و هند نیز به دلیل جایگاه ضعیف ایران، می‌توانند امتیازات خوبی از ایران بگیرند و در ازای دریافت نفت خام ایران با تخفیف زیاد، کالاهای خود را به ایران تحمیل کنند.

-
۱. ۸۹۰۰ میلیون دلار - بانک پارibas
<https://www.reuters.com/article/us-bnp-paribas-settlement-sentencing/bnp-paribas-sentenced-in-8-9-billion-accord-over-sanctions-violations-idUSKBN0NM41K20150501>
- ۱۹۰۰ میلیون دلار - بانک HSBC
<https://www.reuters.com/article/us-ing-sanctions-idUSBRE85B12I20120612>
- ۱۵۰۰ میلیون دلار - بانک کامرز
<https://www.rt.com/business/240353-commerzbank-billion-fine-sanctions/>
- ۱۳۰۰ یلیون دلار - بانک یونی کردیت
<https://www.bloomberg.com/news/articles/2019-04-15/italy-s-unicredit-agrees-to-pay-1-3-billion-over-iran-sanctions>
- ۱۳۰۰ میلیون دلار - بانک سوسیتته جنرال
<https://www.france24.com/en/20181119-societe-generale-fined-13-bn-us-sanctions-violations>
- ۱۲۰۰ میلیون دلار - شرکت ZTE
<https://www.scmp.com/tech/china-tech/article/2076867/chinas-zte-pay-record-us12bn-fine-violating-iran-north-korea>
- ۱۱۰۰ میلیون دلار - بانک استاندارد چارتر
<https://www.bbc.com/news/business-47872318>
- ۸۰۰ میلیون دلار - بانک کردیت اگریکول
<https://www.bbc.com/news/business-34578865>
- ۶۱۹ میلیون دلار - بانک ING
<https://www.reuters.com/article/us-ing-sanctions-idUSBRE85B12I20120612>
- ۵۳۶ میلیون دلار - بانک کردیت سوئیس
https://www.wsj.com/articles/SB10001424052748704541004574600032631634884?mod=article_inline
- ۲۵۰ میلیون دلار - لویدز
<https://www.telegraph.co.uk/finance/4213151/Lloyds-TSB-agrees-to-pay-fine-of-350m-for-sanctions-help.html>
- ۳۱۵ میلیون دلار - بانک میتسوبیشی
<https://www.reuters.com/article/us-btmu-sanctions-settlement/bank-of-tokyo-mitsubishi-to-pay-315-million-over-whitewashed-report-idUSKCN0J21R320141118>
- ۲۹۸ میلیون دلار - بانک بارکلیز
<https://www.theguardian.com/business/2010/aug/16/barclays-fined-for-sanction-breaking>
- ۲۵۸ میلیون دلار - بانک دوچه
<https://www.theguardian.com/business/2015/nov/04/deutsche-bank-us-sanctions-fine>
- ۱۵۲ میلیون دلار - بانک کلیراستریم
<https://www.canadianbusiness.com/business-news/clearstream-banking-securities-firm-paying-152m-to-settle-us-claims-over-iran-sanctions/>
- ۱۰۰ میلیون دلار - بانک رویال اسکاتلند
<https://www.bbc.com/news/business-25341882>

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحریم اهرم فشار است. طرف استفاده‌کننده از تحریم، تا آنجا از این ابزار استفاده می‌کند که نفع تحریم برای وی بیش‌تر از هزینه متحمل شده باشد. نفع‌ها و هزینه‌های تحریم برای ایالات متحده به شرح زیر قابل فهرست است:

- **نفع تحریم برای آمریکا**، هزینه وارد شده بر قربانی (ایران) و محدود شدن آن یا مشغول شدن آن به خود (ولو به شورش یا براندازی و .. نینجامد) است. بنابراین تا جایی که ایران از لحاظ اقتصادی در حال انقباض و تضعیف باشد و برای بودجه یا اقتصاد خود کار خاصی نکند، این نفع برای آمریکا تداوم خواهد داشت. همچنین جریمه‌های دریافت شده از شرکت‌ها و بانک‌های خارجی ناقض تحریم، درآمد قابل توجهی برای آمریکا ایجاد می‌کند.

- **هزینه تحریم برای آمریکا**، فشارهای امنیتی - سیاسی وارده از ایران بر آمریکا و متحدان منطقه‌ای و نیز هزینه‌های اقتصادی مرتبط با انتخابات (قیمت بنزین و...) در آمریکاست. بنابراین تا جایی که فشار امنیتی یا منطقه‌ای ایران بر آمریکا یا متحدان، یا هزینه‌های ناشی از اختلاف با اروپا یا هزینه‌های مرتبط با انتخابات آمریکا ادامه داشته باشد، این هزینه برای آمریکا وجود خواهد داشت.

با توجه به ساختار تحلیلی فوق، تحلیل وضعیت تعادل این هزینه‌ها و فواید به صورت زیر قابل خلاصه شدن است:

الف) به نظر می‌رسد، ساختار حقوقی در هم تنیده تحریم‌ها که به صورت قوانین متعدد مصوب شده و نیز ارتباط لابی‌های صهیونیستی و سعودی با دو حزب و نیز خارج کردن ماهیت قوانین تصویب شده از حالت صرف هسته‌ای و ایجاد ارتباط آنها با مقوله تروریسم و حقوق بشر، اجازه کاهش شدید در ساختار تحریم‌ها را حداقل در میان‌مدت، نخواهد داد.

ب) از سوی دیگر، با توجه به عدم اقدام قابل توجه ایران برای اصلاح و تقویت مالیه عمومی و نیز تراز پرداخت‌ها، برای در امان ماندن از تحریم‌های نفتی و بی‌اثر شدن آن به عنوان سلاح جنگ اقتصادی، تضعیف بنیه‌های اقتصاد ایران همچنان ادامه‌دار خواهد بود و این نفع به طور مداوم برای آمریکا ملموس خواهد بود.

ج) با فرض عدم تحرک سیاسی و امنیتی ایران برای تشدید فشار بر متحدان آمریکا یا حفظ آن، هزینه اعمال تحریم برای آمریکا چندان قابل توجه نخواهد بود.

د) با توجه به پیش‌بینی‌های آتی بازار نفت، انتظار جهش قیمتی در بازار نفت به گونه‌ای که انتخابات آمریکا را متأثر کند، ولو در حالت صفر شدن صادرات نفت ایران، متصور نیست. این گزاره نشان می‌دهد که در پی تحولات بازار انرژی در چند سال اخیر، صادرات نفت ایران دیگر به عنوان یک اهرم فشار بر کلیت بازار نفت قابل استفاده نیست.

موارد فوق، این نتیجه را به‌دست می‌دهد که با فرض ادامه شرایط فعلی و بدون تحول خاص در اقدامات اقتصاد داخلی یا سیاسی - امنیتی ایران، حداقل تا ۶ سال آتی، تحریم‌ها ادامه‌دار خواهد بود.

با توجه به تحلیل هزینه فایده فوق، راهکارها، همان‌گونه که بارها در گزارش‌های مرکز پژوهش‌ها از اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ گفته شده است عبارتند از:

الف) خارج کردن سلاح نفت از دست آمریکا با انجام اقدامات مربوطه در بودجه و اقتصاد و اتخاذ رویکرد فعالانه اقتصادی به جای رویکرد تسکین موقت مبتنی بر سناریوسازی منفعلانه برای اقدام در صورت کاهش صادرات نفت،

ب) مقابله با تحریم بانکی: طراحی پیام‌رسان موازی سوئیفت با معماری توزیع شده، استفاده از پیمان‌های پولی دوجانبه، استفاده از بانکداری غیرمستقیم و فراساحلی، استفاده از ظرفیت ابزارهای جدید پرداخت؛

ج) تعریف، اعلان و اعمال (در بعضی از موارد نیازی به اعلان وجود ندارد، بلکه صرف اجرا، طرف مقابل را آگاه می‌کند) اهرم‌های تهدید برای طرف مقابل به صورت زمان‌دار.

شایان ذکر است نشانه‌هایی از حرکت به سمت رویکردهای توصیه شده، بعد از گذشت نزدیک به یک سال دیده می‌شود، اما لازمه اثربخشی این اقدامات،

انسجام، ابتنا بر برنامه و هدفمند بودن آنهاست؛ در غیراین صورت انتظار نمی‌رود تغییر خاصی در معادله هزینه و فایده آمریکا در اعمال تحریم به‌وجود آورد.